

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۵۸

سبک زندگی ائمه علیهم السلام در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۸

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۱۲

* محسن الویری

سیدمحمد مهدی موسوی نیا**

این نوشتار می‌کوشد با استناد به داده‌های موجود در گزیده منابع شیعی، پس از ارائه گزارشی از دیدگاه و رفتار عملی ائمه علیهم السلام در امور معیشتی، بازتاب آن را در زندگی اجتماعی شیعیان در عصر حضور بکاود. این مقاله نشان می‌دهد ائمه علیهم السلام برای تبیین بعد نظری سبک زندگی در امور معیشتی، حداقل بر شش محور نگاه مثبت‌نگر به دنیا و بهره‌جستن از آن برای اهداف والا، تبیین سیره انبیا و اولیای الهی در اهتمام به تأمین معاش، برحذر داشتن از سستی و کسالت، اصلاح معنای زهد در دیدگاه عمومی جامعه تأکید می‌کردند. این سبک زندگی،

* دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

حیات اجتماعی شیعیان عصر حضور را تحت تأثیر قرار داده بود و بازتاب
نگرش و رفتار معصومان علیهم‌السلام در زندگی عادی شیعیان و در مواردی چون
حضور فعال در مشاغل متنوع، برخورداری از مهارت های شغلی و اهتمام
هم‌زمان به کار و علم آموزی دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ اجتماعی، سبک زندگی، شیعیان، شغل، تجارت، تقدیر
معیشت.

مقدمه

سبک زندگی (LIFE STYLE) چگونگی جریان حیات و شیوه‌های زندگی انسان‌ها
است.^۱ بر همین اساس، مباحث سبک زندگی در سه بعد کلی رفتارهای شخص‌محور،
رفتارها و تعاملات اجتماع‌محور و رفتارها در برابر ماورا تقسیم می‌شود. در نتیجه، مباحث
مربوط به امور معیشتی و تدبیر معاش که شامل اشتغال همراه با پاداش مالی و هزینه‌کرد
آن در زندگی است،^۲ در مجموعه مباحث مربوط به رفتارها و روابط اجتماعی بررسی
می‌گردد.

محورهای گوناگونی در زیر مجموعه امور معیشتی و تدبیر معاش قرار می‌گیرد. با
نگاهی به فرایند چرخه معاش، می‌توان این محورها را بدین شرح برشمرد: نگرش‌ها درباره
ارزش و جایگاه تدبیر معاش، روش‌های تأمین معاش، مرز تعیین معاش، بایدها و نبایدهای
پرداختن به امور معیشتی، انواع معاش، قلمروهای مختلف معاش، روش‌های هزینه‌کرد
برای معاش، انواع هزینه‌ها، آسیب‌های پرداختن به تأمین معاش. طبیعی است که
گزارش‌های کافی از زندگی معصومان علیهم‌السلام درباره همه این محورها موجود نیست.
از این‌رو، دایره بررسی این موضوع به دلیل اطلاعات موجود در منابع محدود است.

در این مقاله، برای رعایت اختصار و حفظ انسجام و روش مندی، کتاب *الکافی* اثر شیخ کلینی (۳۲۹ ه. ق.) برای استخراج برخی از داده‌ها انتخاب شده است. این کتاب در عصر غیبت صغری و به صورت یک جامع روایی مفصل تألیف شده است. از این رو به صورت نسبی، نگرش و رفتار اهل بیت علیهم‌السلام را در موضوع تدبیر معیشت روشن می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهند، بیشتر اطلاعات موجود درباره کار، کشاورزی و تجارت است. بنابراین، مقاله حاضر در پی پاسخ گفتن به این پرسش محوری است که بر اساس منابع برگزیده موجود، چه بخش‌هایی از سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام در حوزه امور معیشتی، با تکیه خاص بر کار و تجارت مطرح کردنی است؟

امور معیشتی در قرآن کریم و سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

به عنوان درآمدی بر سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام سزاوار است، نخست به دیدگاه قرآن کریم و سیره رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نگاهی گذرا شود؛ زیرا سرچشمه، نقطه آغاز و بذر اولیه سیره و سبک زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام را باید در قرآن و سنت و سیره نبوی جست‌وجو کرد. سخن گفتن از سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام بدون اشاره به قرآن و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخنی ناتمام است. خداوند در قرآن کریم، کار و کوشش در مسیر طلب رزق حلال را از ویژگی‌های اصلی فرد مسلمان معرفی می‌کند و با تعابیر متعدد در چهار دسته کلی، مخاطبان را در باره اهمیت کسب و کار، هوشیار می‌کند.

در بخشی از آیه‌ها، به نفس کار و تلاش توجه می‌شود.^۳ در بخش دیگری، به فراهم شدن زمینه کار و تلاش به خواست خداوند و ترغیب انسان به کار اشاره می‌گردد.^۴ در تعداد دیگری از آیه‌ها به کار و معیشت انبیای الهی و اهتمام جدی ایشان به این امر پرداخته می‌شود^۵ و در تعداد دیگری از آیه‌ها به لزوم پاک و حلال بودن کسب و روزی انسان

اشاره می‌گردد.^۶

به موازات قرآن کریم، سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مشوق و راهنمایی جامع در مسیر تبیین جنبه‌های ذهنی و عملی عرصه کار و امرار معاش است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر فرصتی برای تشویق مسلمانان به حفظ روحیه کار و معیشت حلال استفاده می‌کرد. ایشان پیش از آن که به دیگران توصیه کنند، خود به صورت عملی در راه کسب و کار می‌کوشید. آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در دوران جوانی به تجارت می‌پرداخت و در این راه، زحمت سفرهای پرمشقت از مکه تا شام و بازار تهامه را متحمل می‌شد.^۷ بر اساس دیگر منابع، آن حضرت پیش از تجارت، برای مدتی به شبانی مشغول بود.^۸

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با هدف ترویج اندیشه مثبت‌انگاری کار و کسب درآمد، طلب روزی حلال را بر مردان و زنان واجب می‌دانست و سفارش می‌کرد هر فردی از دست‌رنج خود استفاده کند.^۹ ایشان، آنچه را که حاصل دستان فرد باشد، پاکیزه‌ترین روزی‌ها^{۱۰} و رنج و زحمت برای تأمین زندگی عیال را با عمل مجاهدان فی سبیل الله برابر می‌دانست^{۱۱} و پس از نماز، از فریضه بودن کار خبر می‌داد.^{۱۲} فردی که کار نداشت اما در عبادت بسیار کوشا بود فرمود:

او دیگر در چشم من ارزشی ندارد.^{۱۳}

هم‌چنین در روایت‌ها آمده است:

هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردی را می‌دید و از او خوشش می‌آمد، می‌پرسید: کاری دارد؟ اگر پاسخش منفی بود، حضرت می‌فرمود: از چشمم افتاد. می‌پرسیدند: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چرا چنین است؟ می‌فرمود: برای این که مؤمن

اگر حرفه‌ای نداشته باشد، با دینش زندگی می‌کند.^{۱۴}

بررسی ابعاد نظری و عملی امور معیشتی در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام
جدا کردن ابعاد نظری و عملی امور معیشتی در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام، برای
آسان‌تر شدن مراحل بررسی است و در جمع‌بندی مقاله، درهم تنیدگی این دو امر در
زندگی اهل بیت علیهم‌السلام روشن خواهد شد.

الف) ابعاد نظری اهتمام به امور معیشتی در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام
با بررسی منابع درمی‌یابیم امامان معصوم علیهم‌السلام افزون بر ترغیب مخاطبان به کار و
دوری از تنبلی و کسالت، به تصحیح پاره‌های رفتارهای ناصواب و نقد باورهای نادرست
می‌پرداختند. باورهایی که گاه برخی چهره‌های برجسته دینی مطرح می‌کردند.^{۱۵} مجموع
این فعالیت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام را با استفاده از تکنیک گونه‌شناسی، در پنج قالب
می‌توان جای داد.

۱. تبیین نگاه مثبت به دنیا و بهره جستن از آن برای اهداف والا

ائمه شیعه علیهم‌السلام همواره به اصلاح دید غلط و عامیانه درباره معنای توجه به دین و کار
برای آباد کردن دنیا می‌پرداختند. برای مثال، امام صادق علیه‌السلام از قول رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به
اطرافیان یادآور می‌شد:

بهترین یاور برای حفظ تقوای الهی، ثروت مندی است.

یا در کلامی دیگر می‌فرمود:

دنیا چه کمک خوبی برای آخرت است.

در نظر ایشان، استعانت از دنیا معیار بود، بدین معنا که می‌فرمود:

از بعضی از [نعمت‌های] این دنیا کمک بگیرید بر بعضی دیگر و سربار مردم

نباشید.^{۱۶}

۲. تبیین سیره انبیا و اولیای الهی در اهتمام به تأمین معاش

راهکار دیگری که اهل بیت علیهم السلام برای گسترش فرهنگ کار، بدان توجه داشتند، آگاه کردن مردم به سیره انبیا و اولیای الهی درباره کار و امرار معاش بود تا از این راه به مردم اطمینان دهند، کار نه تنها برخلاف سعادت آخرت نیست، بلکه مقدمه آن به شمار می‌رود. در این زمینه روایت‌هایی وجود دارد که در یکی از مهم‌ترین آنها امام صادق علیه السلام در برابر جریان فکری که از ناحیه افرادی چون سفیان ثوری ترویج می‌شد و کار برای دنیا را در نظر مردم، ناپسند جلوه می‌داد، ایستادگی کرد. آن حضرت در برابر این گروه به بیان تفصیلی سیره کار و امرار معاش برخی از اولیای الهی مانند ذوالقرنین، یوسف و داود نبی علیهم السلام و اصحابی چون سلمان و ابوذر پرداخت.^{۱۷}

۳. برحذر داشتن از سستی و کسالت

روش دیگر ترویج فرهنگ کار و کوشش، برخورد، سرزش مستقیم و واکنش‌های تند اهل بیت علیهم السلام با افراد کسل و بی‌عاری بود که زحمت کار و کوشش به خود نمی‌دادند. برای نمونه، عمر بن یزید که فروشنده لباس بود برای امام صادق علیه السلام از مردی گفت که در خانه نشسته و به نماز و روزه مشغول است و اعتقاد دارد روزی خواهد رسید. امام درباره آن فرد فرمود:

او یکی از سه فردی است که دعایش مستجاب نخواهد شد.

نقل می‌شود که روزی مردی از آن حضرت علیه السلام خواست دعا کند که خداوند رزق و روزی راحتی نصیبش کند. امام علیه السلام فرمود:

برایت دعا نمی‌کنم. همان‌گونه که خداوند فرموده، به دنبال روزی برو.^{۱۸}

زمانی که عبدالحمید بن عواض از یاران معتمد ایشان، عرض کرد آسیابی راه انداخته است و با گروهی از رفقایش کار می‌کند، آثار خرسندی و رضایت بر چهره امام صادق علیه السلام ظاهر شد و به او فرمود:

رحمت خداوند شامل حال تو بوده است.^{۱۹}

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، بهانه‌های فرار از شغل را مانند خسته و ملال آور بودن، رد می‌کند و می‌فرماید:

اگر داشتن شغل خستگی آور است، پس بی‌کاری مداوم نیز مایه فساد و

تباهی است.^{۲۰}

ایشان، مردم را فرزندان همان کاری می‌دانستند که به خوبی بر آن اشراف دارند^{۲۱} و صاحبان حرف را به شرط امانت‌داری در کارهایشان از افرادی می‌دانستند که محبوب خداوند هستند.^{۲۲}

امام صادق علیه السلام، مرد بی‌کاره‌ای را که زحمت خود را بر دوش جامعه می‌اندازد، لعن می‌کند.^{۲۳} زمانی که فضیل بن یسار کسب و کار را رها نمود و حجره‌اش را تعطیل کرد، آن حضرت علیه السلام از او خواست بار دیگر، حجره‌اش را باز کند و به خرید و فروش اجناس بپردازد.^{۲۴}

۴. اصلاح معنای زهد در دیدگاه عمومی جامعه

امامان شیعه علیهم السلام در مقام اصلاح‌گری و تبیین معنای صحیح زهد در نگاه عموم، روشن‌گری‌هایی داشتند از جمله آن که می‌فرمودند:

زهد در دنیا به معنای از بین بردن مال و ثروت یا حرام کردن حلال بر خود

نیست، بلکه به این معنا است که به آنچه در دست داری، بیش از آنچه در دست

خداست، اعتماد و اطمینان نداشته باشی.

در تعریف دیگر، زهد در دنیا، کوتاه کردن آرزوها، سپاس‌گذاری از هرگونه نعمت و پارسایی از اموری است که خداوند حرام کرده است.^{۲۵}

۵. رهنمود دادن برای تدبیر معیشت

بخش مهمی از آموزه‌ها و رفتارهای اهل بیت علیهم السلام در حوزه فعالیت‌های تجارت و معیشت، تبیین موضوع تدبیر امر معاش و مدیریت نظام اقتصاد خانواده است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین راهکار پیشنهادی اهل بیت علیهم السلام این است که هر فرد موظف است در عین پای‌بندی به زهدی که پیش از این تعریف شد، برای اصلاح اوضاع اقتصادی خویش، رنج تدبیر معیشت را به جان بخرد و حتی در صورت لزوم به سفر برود تا به موقع، از سود آن رنج و تلاش بهره‌مند شود.^{۲۶}

امام صادق علیه السلام در توصیه به شیعیان، مجموعه کمالات برای انسان را سه امر می‌داند که مسئله تقدیر معیشت، یکی از آن سه امر است. ایشان در حالی که با دست خود، خرما را وزن می‌نمود و کمک دیگران را رد می‌کرد، اطرافیان را به حسن تدبیر معیشت سفارش می‌کرد و به آنها بشارت می‌داد:

اگر خداوند خیر و صلاح کسی را بخواهد، آنچه به او عطا می‌کند، تدبیر

معیشت است.^{۲۷}

مهم‌ترین نمونه‌های تدبیر معیشت که اهل بیت علیهم السلام آن را مطرح کرده‌اند، عبارت هستند از:

۱. آماده کردن خوراک اصلی سال: اهل بیت علیهم السلام به این کار توجه می‌کردند. در این برنامه، غذای اصلی که می‌توانست گندم، جو و مانند آن باشد، در منزل تهیه می‌گردید و

انجام دادن آن بر دیگر امور مقدم دانسته می‌شد. درباره امام رضا علیه السلام و جد بزرگوارشان امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل می‌شود که این سیره را حفظ می‌کردند و آن را مایه سبک‌شدن بار زندگی و آسایش انسان می‌دانستند.^{۲۸}

۲. دوری کردن از کارهای پست و ناچیز مانند دلالی: اهل بیت علیهم السلام بر این رهنمود در امر تقدیر معیشت تأکید داشتند. اهل بیت علیهم السلام این کارها را برای فرد معتبر و باایمان، مناسب و سزاوار نمی‌دانستند. از این رو از شیعیان می‌خواستند کارهای ناچیز را به دیگران بسپارند و خود به سراغ کارهای بزرگ بروند.^{۲۹}

۳. سفارش به خریدهای کلان تجاری مانند خرید باغ، بستان و حیوان.^{۳۰}

۴. توزیع سرمایه زندگی در چند بخش تجاری: اهل بیت علیهم السلام سفارش می‌کردند، افراد همه دارایی خود را در یک کار تجاری هزینه نکنند.^{۳۱}

۵. به جریان انداختن سرمایه‌های راکد: راهکار دیگر اهل بیت علیهم السلام برای سرمایه‌های راکد که نمی‌دانند یا تردید دارند در چه راهی استفاده کنند، خرید باغ و خانه است.

۶. جای‌گزین کردن سرمایه به جای آنچه به فروش می‌رسد: توصیه دیگر اهل بیت علیهم السلام آن است که اگر کسی خانه، زمین یا چاه آبی را می‌فروشد، به جای آن، زمین یا آب دیگری را خریداری کند؛ زیرا در غیر این صورت، مال خود را بی‌برکت کرده است.^{۳۲}

۷. پرورش دام: اهل بیت علیهم السلام به افرادی که دارایی چندانی برای تجارت نداشتند، توصیه می‌کردند که حیوانات کوچک مانند جوجه را پرورش دهند و بالغ آن را بفروشند.^{۳۳}

۸. لزوم کسب مهارت در یک شغل و حرفه: توصیه دیگر اهل بیت علیهم السلام، کسب مهارت در یک شغل و حرفه است.^{۳۴}

اهل بیت علیهم السلام برای ترویج فرهنگ پیشه‌وری و داشتن حرفه، به کلی‌گویی‌های معمول بسنده نمی‌کردند، بلکه در بسیاری از شغل‌ها وارد می‌شدند و شیعیان را به فراگیری آنها تشویق می‌کردند. هم‌چنین اگر پیروانشان درباره برخی از مشاغل دیدگاهی منفی داشتند، در صورت نادرست بودن آن دیدگاه، آنها را آگاه می‌کردند.

برای نمونه می‌توان به شغل صرافی اشاره کرد که شخص برجسته‌ای مانند حسن بصری با اشتغال به صرافی، مخالف بود و مدعی شده بود که اگر حرارت آفتاب مغزم را به جوش آورد، حاضر نیستم زیر سایه صرافی بروم. این سخنان سبب نگرانی شیعیان شده بود، چنان‌که سدید صیرفی را که به گفته خودش، گوشت و خونس با درآمد همین کار آمیخته شده بود، مضطرب کرد و او درباره ادامه اشتغال به این حرفه، مردد شد.

در مقابله با این‌گونه افکار، اهل بیت علیهم السلام این سخنان را یاوه‌سرایی می‌دانستند و شیعیان را در این‌گونه مشاغل، به حساب و کتاب دقیق، رعایت تقوا و نماز اول وقت فرا می‌خواندند.^{۳۵} شغل دیگر، آرد کردن گندم و فروش آن بود که برخی از مردم نگاه مثبتی به آن نداشتند. امام رضا علیه السلام این دیدگاه را رد کرد و فرمود:

چه اشکالی دارد؟ [معامله] هر چیز قابل فروشی که بنده، تقوای الهی را در

آن پیشه کند، جایز است.^{۳۶}

هم‌چنین، سحرخیزی و بامدادان به دنبال کار رفتن را می‌توان در مجموعه توصیه‌های امامان معصوم علیهم السلام قرار داد. با بررسی روایت‌ها در می‌یابیم که از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام تا امام رضا علیه السلام همگی به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شیعیان سفارش می‌کردند صبح زود، پیش از آفتاب به دنبال نیازهای خود بروند؛ زیرا روزی‌ها پیش از طلوع آفتاب تقسیم می‌شود و خداوند در صبح زود برای این امت برکت قرار داده است.^{۳۷}

۶. تشویق به فعالیت اقتصادی در کنار علم آموزی

نکته مهمی که اهل بیت علیهم السلام در سبک معیشتی به آن توصیه می‌کردند و خود در عمل به آن پای بند بودند، ترغیب و تشویق عموم جامعه به اشتغال و علم‌آموزی هم‌زمان بود. به عبارت ساده‌تر در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام، کار کردن توجیه خوبی برای دور ماندن از فضای علم و دانش نبود. این مسئله به ویژه در عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که شیعیان از آزادی نسبی مناسبی برای دانش‌اندوزی برخوردار بودند، به اوج رسید.

هم‌چنین، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد و میان دو گروه که یکی به عبادت و دیگری به بحث علمی مشغول بودند، دومی را برتری و ترجیح داد. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام از کارگزاران خود در شهرهای دیگر می‌خواست، ساعتی از روز را به تعلیم دانشجویان و پاسخ به سؤال کنندگان اختصاص دهند.^{۳۸} امام صادق علیه السلام مانند پدر و جدشان در روزهای گرم سال، به کشاورزی و امرار معاش مشغول بودند و می‌فرمودند:

دوست ندارم جوانی از شما را ببینم جز آن‌که شب را در یکی از دو حال به

روز آورد: یا عالم باشد یا جوینده علم.

در این عصر، اوضاع به گونه‌ای بود که شیعیان فقط از طریق آشنایی با علوم به ویژه دانشی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام آموزش داده می‌شد، می‌توانستند در میان صحابه واقعی اهل بیت علیهم السلام قرار گیرند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مقام و منزلت شیعیان را از میزان نقل احادیث و شناختی که [در باره مفاهیم و

^{۳۹} معارف حدیثی] دارند، بشناس.

به دنبال شکل‌گیری این فضای علمی است که امام کاظم علیه السلام آشکارا می‌فرمودند:
 اگر یکی از جوانان شیعه را بیابیم که در پی فقه آموختن و درصدد
 دین‌شناسی نیست، او را تازیانه خواهم زد.^{۴۰}

با توجه به آنچه گفته شد، اهل بیت علیهم السلام اشتغال را مانع کسب علم نمی‌دانستند و از
 تاجران و پیشه‌وران می‌خواستند پیش از ورود به هر کسب و کاری، قواعد و شرایط حلال
 و حرام شدن آن را از عالمان دین فرا گیرند. گفته می‌شود امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام
 بر منبر رفت و با صدای رسا سه مرتبه فرمود:

نخست فقه را بیاموزید سپس به تجارت بپردازید.^{۴۱}

هم‌چنین توصیه می‌شد که همه شیعیان حساب و کتاب را بیاموزند و در معامله به‌کار
 ببرند تا از خطا در امان بمانند.^{۴۲}

ب) جنبه‌های عملی اهتمام به امور معیشتی در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام
 امامان معصوم علیهم السلام فقط مردم را به کسب معاش و پرداختن به امور معیشت سفارش
 نمی‌کردند، بلکه خود در عمل، مانند مردم عادی به کار و کوشش می‌پرداختند. از بین
 تعداد فراوانی گزارش تاریخی که در این زمینه وجود دارد، به چند نمونه اشاره می‌کنیم.
 معیار گزینش این نمونه‌ها، دلالت آشکار آن به تلاش عملی امامان معصوم علیهم السلام و
 برخورداری از ظرفیت لازم برای برداشت نکته‌های گوناگون از آن است و ظرافت‌های
 حدیث‌شناختی و رجالی به فرصتی دیگر وانهاد می‌شود.

نمونه‌های اهتمام امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام به امور معیشتی
 روایت‌های بسیاری درباره فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و امرار معاش امیرالمؤمنین
 حضرت علی علیه السلام به عنوان چهره شاخص اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. نقل می‌شود، آن

حضرت علیه السلام با دستان خود، زمین را بیل می‌زد و آب را از زمین بیرون می‌کشید. گاهی که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در کنارش بود و هسته‌های خرما را با آب دهان مبارک ایشان خیس می‌کرد و در زمین می‌کاشت.^{۴۳} در جایی دیگر از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

روزی در مدینه، سخت گرسنه شدم، برای پیدا کردن کار به محله‌های بالای مدینه رفتم. در آن‌جا زنی را دیدم که کلوخ‌هایی را جمع کرده بود. فکر کردم می‌خواهد با آنها گل درست کند. نزدیک او رفتم و طی کردم برای هر دلو آب که از چاه بکشم یک دانه خرما به من بدهد. چون شانزده دلو کشیدم، دستم تاول زد. پس به لب آب رفتم و دستم را شستم. آن‌گاه نزد آن زن برگشتم و او شانزده دانه خرما به من داد. من نزد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم آمدم و او را از آنچه گذشته بود، آگاه کردم و پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم با من از آن خرماها خورد.^{۴۴}

در گزارش دیگری بیان می‌شود، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بر روی کیسه هسته خرما نشسته بود. مردی از ایشان پرسید؟ یا ابالحسن! این چیست که بر آن نشسته‌ای؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: ان شاء الله صد هزار درخت خرمای میوه‌دار است. آن حضرت علیه السلام، همه آن هسته‌ها را کاشت و حتی یک دانه را رها نکرد.^{۴۵}

هم‌چنین، روزی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را دیدند که مقداری خرما خریده، آن را به گوشه عبایش گرفته است و راهی منزل است. گروهی از صحابه برای کمک به ایشان جلو رفتند، ولی آن حضرت علیه السلام فرمود:

سرپرست خانواده به حمل آن سزاوارتر است.^{۴۶}

هم‌چنین، وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ باز می‌گشت، به تعلیم، تدریس و به قضاوت در میان مردم می‌پرداخت و چون از این کار فارغ می‌شد، در باغ شخصی خود به کارهای دستی مانند بیل زدن، نهر کندن و آب کشیدن می‌پرداخت.
از عبدالله بن حسن درباره ایشان نقل می‌شود:

علی علیه السلام هزار برده را آزاد کرد که همه [پول] آن را با پینه دست و عرق

جبین پرداخت کرده بود.^{۴۷}

امیرمؤمنین حضرت علی علیه السلام، حتی زمانی که حکومت را به دست گرفت، در فرصت کمی که در میان نبردها و دشواری‌های متعدد حکومت‌داری پیش می‌آمد، از امر آموزش و تربیت غافل نمی‌شد و چون از جنگ فارغ می‌گردید، بر کرسی تعلیم می‌نشست.^{۴۸}

نمونه‌های اهتمام امام باقر علیه السلام به امور معیشتی

احمد بن منکدر در گزارشی مستقیم و تأمل برانگیز از امام باقر علیه السلام می‌گوید:

باور نداشتم علی بن الحسین علیه السلام فرزندى به یادگار بگذارد که فضل و دانشش مانند خود او باشد، تا این‌که پسرش محمد بن علی علیه السلام را دیدم. خواستم او را موعظه کنم و اندرز دهم، ولی او مرا موعظه کرد. اصحاب از او پرسیدند: به چه چیز تو را موعظه کرد؟ گفت: من در ساعتی که هوا بسیار گرم بود، به اطراف مدینه رفتم. در راه به محمد بن علی علیه السلام برخوردم. او مردی تنومند و فربه بود. با خود گفتم، بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال، برای به دست آوردن مال دنیا بیرون آمده است، هم‌اکنون او را نصیحت خواهم کرد. پس نزدیک رفتم و به او که مشغول کار بود، سلام کردم. او نفس‌زنان و

عرق ریزان پاسخ سلام مرا داد. به او گفتم: خدا کارت را اصلاح کند. بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال، برای طلب دنیا بیرون آمده است. اگر اکنون مرگ تو در رسد و در این حال باشی، چه خواهی کرد؟ آن جناب فرمود: به خدا! اگر مرگم در این حال فرا رسد، در حالتی نزد من آمده که به فرمان برداری و طاعت خداوند مشغولم تا از این راه، از تو و از مردم بی نیاز شوم و جز این نیست که من، آن گاه از مرگ می ترسم که بر من در آید و من در حال نافرمانی و معصیتی از معصیت های پروردگار باشم. من که این پاسخ را از او شنیدم، گفتم: خدایت رحمت کند، من می خواستم تو را موعظه کنم، ولی تو مرا موعظه کردی.^{۴۹}

در گزارش دیگری نقل می شود، امام باقر علیه السلام هزار و هفتصد دینار به فرزندش امام صادق علیه السلام داده بود که با آن تجارت کند، ایشان در این باره فرمود:
 من به سود آن اشتیاقی ندارم، اگرچه سود تجارت خوب است، بلکه دوست دارم خداوند ببیند که من خود را در معرض استفاده ها و سودهای او قرار داده ام.^{۵۰}

نمونه های اهتمام امام صادق علیه السلام به امور معیشتی

درباره امام صادق علیه السلام نقل می شود که در گرمای روز، بیل به دست می گرفتند و در باغ فعالیت می کردند. گاه چنان سخت به کشاورزی مشغول می شدند که ساده اندیشان به قصد توصیه کردن، به ایشان می گفتند: شما به واسطه قرابتی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارید و با این قرابت، دنیا و آخرت خود را می توانید تأمین کنید، چه نیازی است که این گونه خود را

به زحمت می‌اندازید؟ امام علیه السلام در پاسخ به آنها می‌فرمود:

کار می‌کنم که از امثال شما، بی‌نیاز باشم.^{۵۱}

هم‌چنین، گاه که دوست‌دارانش، ایشان را از کار و کوشش در مزرعه منع می‌کردند،

امام علیه السلام نمی‌پذیرفت و می‌فرمود:

دوست دارم که انسان در زیر حرارت آفتاب بسوزد و برای کسب معیشت

بکوشد.^{۵۲}

نمونه‌های اهتمام امام کاظم علیه السلام به امور معیشتی

از جمله گزارش‌های قابل توجه درباره سیره معیشتی امام کاظم علیه السلام، گزارش علی بن

ابی حمزه بطائنی است. وی نقل می‌کند:

از کنار مزرعه‌ای عبور می‌کردم. امام موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم که

مشغول کار کردن در مزرعه بود و از پاهایشان عرق می‌ریخت. جلو رفتم و

عرض کردم: یا ابن رسول‌الله! فدایت شوم، کارکنان و کارگران شما کجایند؟

حضرت فرمود: ای علی! کسانی که از من و پدرم بالاتر بودند در زمین خود، با

دست خود کار می‌کردند. عرض کردم: یا بن رسول‌الله! چه کسانی؟ امام موسی

بن جعفر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان و همه پدرانم علیهم السلام، این یکی

از کارهای همه پیامبران و فرشتگان و بندگان صالح خداوند است.^{۵۳}

تدوین الگوی تدبیر معیشت در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام

با واکاوی اندیشه و رفتار اهل بیت علیهم السلام به این جمع‌بندی می‌رسیم که آنان در امور

معیشتی سبک ویژه‌ای داشتند. با این سبک می‌توان الگوی ارتباطی جامعی را تدوین کرد.

این الگو فرایند تولید تا مصرف و ضوابط حاکم بر آن و عوامل مؤثر در آن را در برمی گیرد. عناوین هشت گانه‌ای که محورهای سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام را در فعالیت‌های اقتصادی ثروت‌زا نشان می‌دهد، عبارت هستند از:

۱. الگوی رفتار کارفرمایان؛
۲. الگوی ارتباطی کارفرمایان و کارگران؛
۳. الگوی رفتاری کارگران؛
۴. الگوی ارتباطی میان بدهکار و طلب‌کار؛
۵. الگوی فضای کالبدی کسب و کار؛
۶. الگوی انواع نظارت بر محیط و فرایند کسب و کار؛
۷. الگوی مربوط به انواع معامله و ضوابط شرعی آن؛
۸. الگوی آداب اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی.^{۵۴}

بی‌شک، با پژوهش‌های تکمیلی باید به تدوین الگوی جامع سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه امور معیشتی همت گماشت. وجود مصادیق فراوان در این زمینه، کار را بر پژوهش‌گران آسان کرده است.^{۵۵}

بازتاب دیدگاه و سبک معیشتی - اقتصادی اهل بیت علیهم‌السلام در شغل و حرفه شیعیان

در نتیجه تعاملات فکری شیعه با اهل بیت علیهم‌السلام، تحولات گسترده‌ای در جامعه، کار، تجارت و امرار معاش شیعیان روی داده است. با مروری کوتاه بر تاریخ اجتماعی شیعه در می‌یابیم که شیعیان با وجود همه محدودیت‌های اجتماعی که با آن روبه‌رو بودند، در عرصه معیشت، کم‌کاری نمی‌کردند و در فعالیت‌های اقتصادی حضور داشتند.

عامل مؤثر در شکل‌گیری این سبک از زندگی در گام نخست، سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپس سیره اهل بیت علیهم‌السلام بوده است که همواره، شیعیان را به ترک بیکاری و دوری از

کارهای پست و بی‌ارزش مانند دلالی سفارش می‌کردند. در نتیجه تداوم این اندیشه، بیشتر شیعیان به‌سوی مشاغل و حرفه‌های مورد نیاز جامعه می‌رفتند. در گزارش‌های موجود در تاریخ اجتماعی شیعه، از حرفه‌های دانش‌محور مانند داروسازی و فروش سلاح به سرزمین‌های مجاور، به عنوان راه‌های امرار معاش شیعیان یاد می‌شود. شاهد دیگر بر این ادعا، نوشته‌های شیخ طوسی است که در دو کتاب خود، *الفهرست و رجال*، بیش از چهل نفر را نام می‌برد که به پیشه صراف‌ی اشتغال داشتند و تعداد قابل توجهی از ایشان شیعه بودند.^{۵۶}

در پژوهشی که درباره مشاغل شیعیان در عصر حضور اهل بیت علیهم السلام انجام شده است به رواج حدود صد شغل و حرفه عمومی یا تخصصی در میان شیعیان اشاره گردیده است.^{۵۷} با توجه به محدودیت‌های طبیعی زندگی در آن عصر و تنگناهای سیاسی - اجتماعی شیعیان، این میزان تنوع شغلی، قابل تأمل است. افزون بر این، می‌توان مطمئن بود که با پژوهش بیشتر، بر تعداد این مشاغل در آن زمان، افزوده می‌شود. در گام بعد از این بررسی، چنان‌چه به جداسازی این مشاغل بپردازیم، می‌توان مجموع آنها را در پنج عنوان اصلی مشاغل مرتبط با خوراک، پوشاک، ابزار آلات، بهداشت و مشاغل متفرقه تقسیم کرد. به این ترتیب، به گستردگی و نحوه توزیع مشاغل در جامعه بیشتر پی خواهیم برد. هم‌چنین این تقسیم‌بندی کمک می‌کند تصور بهتری از نیازهای عمومی جامعه داشته باشیم؛ زیرا بیش از نصف مشاغل به طور مستقیم یا غیرمستقیم با خوراک و پوشاک مردم مرتبط بوده‌اند.

نیاز مردم به حیوانات نیز، زمینه شغل‌های گوناگونی چون چوپانی، دام‌پزشکی، دلالی چهارپایان، شترداری و مکاری (کرایه‌دهنده ستوران) را پدید می‌آورد. باین‌حال در زمینه مسکن و فضاهای کالبدی در این عصر، برخلاف رویکرد تمدن‌هایی مانند روم و ایران که

توجهی گسترده به سبک بناها نشان می‌دادند،^{۵۸} تغییر و پیشرفتی حاصل نشد و بستر پدید آمدن مشاغل جدید و متعدد فراهم نگردید. از این رو، عنوان و نشانه روشنی که از رونق و تحول در ساخت فضاهای کالبدی به ویژه از نظر معماری هنری خبر دهد، دیده نمی‌شود. در جدول‌های ذیل برخی از مشاغل شیعیان بر اساس محورهای پنج‌گانه، بیان شده است.

جدول شماره ۱. نمونه مشاغل شیعیان در حوزه خوراک

نام شغل	ترجمه	مصدق	توضیحات
الدهان	روغن فروش	بشیر الدهان	از اصحاب کوفی امام صادق <small>ع</small> ^{۵۹}
القصاب	قصاب	المنهال القصاب	از اصحاب کوفی امام صادق <small>ع</small> ^{۶۰}
الرؤاس ^{۶۱}	کله‌پز	—	—
اللحام	گوشت فروش	یحیی اللحم	از راویان موثق کوفه ^{۶۲}
الطحان	آسیابان، گندم فروش	اسماعیل بن زید	از راویان موثق کوفی ^{۶۳}
الزعفرانی	فروشنده زعفران	عمران بن أبی اسحاق	از راویان امام صادق <small>ع</small> ^{۶۴}
البقال	سبزی فروش	عبدالعزیز بن اسحاق	از راویان زیدی مذهب ^{۶۵}
السمان	روغن فروش	سعید الاعرج	از راویان موثق امامی ^{۶۶}

الحلال	تولید و فروش شیره کنجد	احمد بن عمر	از اصحاب امام کاظم <small>علیه السلام</small> ^{۶۷}
--------	------------------------	-------------	---

جدول شماره ۲. نمونه مشاغل شیعیان در حوزه پوشاک

نام شغل	ترجمه	مصدق	توضیحات
القزاز	تولیدکننده و فروشنده پيله ابریشم	احمد بن الحسن القزاز	از راویان واقفی مذهب بصره ^{۶۸}
القلائسی	تولید و فروش نوعی کلاه	محمد بن احمد حمدان	از راویان موثق کوفه ^{۶۹}
بیاع الغزل	فروشنده نخ	ضریس بیاع الغزل	۷۰
القطان	تولید کننده و فروشنده پنبه	یونس بن علی القطان	از راویان ساکن کوفه ^{۷۱}
بیاع السابری	فروشنده لباس شاپوری ^{۷۲}	محمد بن ابی عمیر	از اصحاب اجماع شیعه ^{۷۳}
الفراء	پوستین دوز	یحیی بن سالم	از راویان زیدی مذهب و موثق کوفه ^{۷۴}

جدول شماره ۳. نمونه مشاغل شیعیان در حوزه بهداشت و سلامت

نام شغل	ترجمه	مصدق	توضیحات
---------	-------	------	---------

۷۵	فرقدالحجرام	حجامت گر	الحجرام
از راویان امامی موثق عصر امام صادق <small>علیه السلام</small> ^{۷۶}	عبدالله بن سعید	طیب حاذق	الطیب
—	—	دام پزشکی	البيطار
معاصر با امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> ^{۷۷}	أبی یثعاطی	ختنه کننده	الختان
از اصحاب امام هادی <small>علیه السلام</small> ^{۷۹}	ابن أبی طیفور	درمان گری که هنوز به مهارت و دانش طیب حاذق نرسیده است. ^{۷۸}	المتطبب

جدول شماره ۴. نمونه مشاغل شیعیان در حوزه ابزار آلات

توضیحات	مصدق	ترجمه	نام شغل
۸۰	ولید بیاع الاسفاط	فروشنده زنبیل	بیاع الاسفاط
از راویان موثق امامی ^{۸۱}	زید الزراد	زره ساز	السراد (الزراد)
از اصحاب اجماع شیعه ^{۸۲}	الحسن بن محبوب	کوزه ساز	الکوزی
از شیعیان موثق عصر امام صادق <small>علیه السلام</small> ^{۸۳}	یعقوب السراج	زین ساز	السراج

الرسال	فروشنده طناب	الفضیل بن الزبیر	از شیعیان زیدی مذهب ^{۸۴}
--------	--------------	------------------	--------------------------------------

جدول شماره ۵. نمونه مشاغل متفرقه شیعیان

نام شغل	ترجمه	مصدق	توضیحات
الملاح	ناخدا	—	^{۸۵}
الجلاب ^{۸۶}	دوره گردی برای فروش برده	سعد بن ابی عمر (عمرو)	از اصحاب صادقین <small>علیهم السلام</small> ^{۸۷}
النخاس ^{۸۸}	تاجر برده و فروشنده چهارپایان ^{۸۹}	رفاعه بن موسی	از اصحاب موثق و نویسنده کتاب عصر امام صادق و کاظم <small>علیهم السلام</small> ^{۹۰}
الجصاص	گچ (مصالح ساختمانی) فروش	—	^{۹۱}
البناء ^{۹۲}	بنا	أبو موسی	از اصحاب امام صادق <small>علیهم السلام</small> ^{۹۳}

در بررسی مشاغل شیعیان و عوامل توجه آنها به سوی صنعتها و حرفه‌های گوناگون مشاهده می‌شود که در موارد بسیاری، شیعیان پیش از ورود به یک حرفه و کسب درآمد، از امامان معصوم علیهم السلام اجازه می‌گرفتند و گاه تا از جزئیات و شرایط حلال بودن کسب درآمد مطمئن نمی‌شدند، به آن کار مشغول نمی‌گردیدند.^{۹۴}

بر اساس همین روش، کمتر شیعه‌ای را می‌توان یافت که در مشاغلی چون فروش حیوانات نجس، پیش‌گویی، جادوگری، زندان‌بانی، قضاوت و قرائت قرآن فعالیت کند. همچنین در برخی حرفه‌ها مانند فروش مشروبات به طور کلی و در برخی دیگر مانند حضور در دستگاه‌های دولتی جز در موارد خاص و با رعایت شروطی، به تعیین مزد یا اخذ درآمد از آن راه، مجاز نبودند.^{۹۵} در حقیقت، پای‌بندی شیعیان به این‌گونه امور، فقط به دلیل ارتباط و اثرپذیری آنها از سیره اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.

موضوع دیگر در بحث مشاغل شیعیان، موضوع هم‌زمانی اشتغال و علم‌آموزی است. بیشتر افراد جامعه، مانند نخ‌فروش، آسیابان، زین‌ساز، جواهرفروش، تجار و به طور کلی هر فردی با هر حرفه‌ای، خود را از یادگیری آموزه‌هایی که در چارچوب معارف دینی عرضه می‌شد، بی‌نیاز نمی‌دانستند و در کنار پرداختن به شغل اصلی، فرصت تعلیم و تعلم را از دست نمی‌دادند.

در تاریخ اجتماعی شیعه، به نمونه‌های بسیاری از شیعیان بر می‌خوریم که به دعوت اهل بیت علیهم‌السلام، به فراگیری علم رو آوردند. برای نمونه، مؤمن‌الطاق، صحابی مشهور امام صادق علیه‌السلام با وجود آن که در علم کلام به شهرت رسیده بود، پیشه خود را رها نکرد و همچنان در بازار طاق‌المحامل کوفه به صرافی اشتغال داشت.^{۹۶} محمد بن مسلم، فقیه و راوی برجسته کوفه، ساعاتی از روز را به آسیاب کردن می‌پرداخت.^{۹۷}

خالد بن ماد از دیگر شیعیان است که آوازه‌ای ندارد. او به کلاه‌دوزی مشغول بود و باین حال از وجود امام صادق علیه‌السلام بهره بسیاری می‌برد. او دفتر حدیثی را با سخنان امام صادق علیه‌السلام نوشته بود.^{۹۸} همچنین، می‌توان از ابوسعید خبیری نام برد. آسیابانی که روایت‌هایش در *الکافی و کامل‌الزیارات* موجود است.^{۹۹}

هم‌چنین، سلیمان دیلمی برده‌فروشی بود که از دیلمان در شمال ایران، برده می‌خرید و برای فروش به کوفه می‌آورد. او برای کسب درآمد، گاه تا خراسان هم می‌رفت. وی با وجود کار طاقت‌فرسایش، از دانش‌اندوزی غافل نبود و روایت‌های قابل‌توجهی را از قول امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام گردآوری کرده است.^{۱۰۰} هم‌چنین باید به صباح بن صبیح اشاره کرد.^{۱۰۱} وی، امام مسجد داراللولؤ کوفه بود که از راه کفاشی امرار معاش می‌کرد.^{۱۰۲} سماعة بن مهران نیز، مسجدی در محله حضارمه کوفه داشت و به تولید و فروش پیله‌های ابریشم مشغول بود.^{۱۰۳}

افراد بسیار دیگری بودند که در این مقاله، امکان معرفی ایشان نیست، ولی همه این موارد را می‌توان به عنوان نشانه‌هایی از چگونگی اثرگذاری و بازتاب سبک زندگی اقتصادی - معیشتی اهل بیت علیهم‌السلام در میان شیعیان دانست.

نتیجه

سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه امور معیشتی، معرفی یک نظام اندیشه‌ای و تبیین آن و اصلاح پندارهای نادرست در زمینه اهتمام به امور معیشتی همراه با الگویی عملی از پای‌بندی به این آموزه‌ها در زندگی شخصی و اجتماعی خود است. امامان معصوم علیهم‌السلام در زمینه نظری، دست‌کم در هفت محور فعالیت می‌کردند. هفت محوری که با هدف تصحیح فرهنگ عمومی، اندیشه و نگرش شیعیان به امور معیشتی و نقش مؤثر آن در آرامش دنیا و رسیدن به سعادت آخرت صورت پذیرفته است.

در بعد عملی به گواهی مستندات تاریخی، اهل بیت علیهم‌السلام تا آن‌جا که شرایط جامعه اجازه می‌داد، آشکارا و در برابر دیدگان عموم، در صحنه امور معیشتی حاضر می‌شدند و در

این راه، از تحمل گرمای آفتاب، عرق ریختن و پینه بستن دستان گرفته تا سرزنش دوستانی که رنج کسب معاش را از خود دور و بر جامعه تحمیل می‌کردند، هراسی نداشتند. ایشان، کسب معیشت را مانند فریضه‌ای الهی، لازم می‌دانستند و برای برآوردن نیاز معیشتی به دست خود، بدون اتکا به دیگران، بسیار می‌کوشیدند.

در بررسی بازتاب اجتماعی سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام برجسته‌ترین نشانه‌های این اثرگذاری را در حضور فعال و متنوع شیعیان در عرصه امور معیشتی می‌توان دید. آنچه در کنار این حضور قابل توجه است، اهتمام شیعیان به موضوع امرار معاش و علم‌آموزی هم‌زمان است که این امر حاصل سفارش‌های فراوان اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.

سزاوار است موضوع امرار معاش و علم‌آموزی هم‌زمان در جهان کنونی با بهره‌گیری از همه ابزارهای ارتباطی سنتی و جدید، برای مخاطبان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به درستی تبیین و تبلیغ شود تا بار دیگر شاهد اثرپذیری شیعیان در امور معیشتی از اهل بیت علیهم‌السلام باشیم؛ زیرا وعده‌های اهل بیت علیهم‌السلام صادق، کلام ایشان نور، کارهای ایشان سراسر خیر و رعایت امر ایشان مایه رشد و هدایت است.^{۱۰۴}

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیرو، فرهنگ علوم/اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶، ص ۲۰۶.
۲. جولیبوس گولد و ویلیام ل. کولب، فرهنگ علوم/اجتماعی، بی‌جا: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶، ص ۶۷۲.
۳. نجم (۵۳) آیه ۳۹.
۴. یس (۳۶) آیه ۳۴.
۵. انبیاء (۲۱) آیه ۸۰؛ طه (۲۰) آیه ۱۸ - ۱۷.
۶. نحل (۱۶) آیه ۱۱۴.
۷. عبد الرحمن سهیلی، *الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة*، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۱۲ هـ. ق، ص ۲۳۱.
۸. عبد الملک ابن هشام، *السیرة النبویة*، بیروت: دار المعرفة، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۷.
۹. محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، تهران: اسلامیة، بی تا، ج ۶۳، ص ۳۱۴.
۱۰. حسین بن محمد نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱۳، ص ۲۴.
۱۱. محمد بن یعقوب کلینی، چاپ دوم، *الکافی*، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۸۸؛ شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۱۶۸.
۱۲. مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۱۷؛ محمد رضا حکیمی و برادران، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۴۳۰.
۱۳. تاج‌الدین شعیری، *جامع الأخبار*، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ هـ. ق، ص ۱۳۹؛ مرتضی مطهری، *مجموعه آثار استاد مطهری*، تهران: انتشارات صدرا، بی تا، ج ۲۲، ص ۷۸۶.
۱۴. تاج‌الدین شعیری، پیشین.
۱۵. ن. ک. کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۸ - ۴۴۰.
۱۶. همان، ج ۵، ص ۷۱ - ۷۵.
۱۷. همان، ج ۵، ص ۶۵؛ ابن شعبه حرانی، *تحف العقول عن آل الرسول*، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۳۴۸.
۱۸. شیخ کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۷۷ - ۷۸؛ قاضی نعمان، *دعائم الإسلام*، محقق آصف فیضی،

- چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۸۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۴.
۱۹. شیخ صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۱۶۴.
۲۰. شیخ مفید، *الارشاد*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۹۸.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۵۱.
۲۲. همان، ص ۱۵۸.
۲۳. کلینی، *پیشین*، ج ۴، ص ۱۲.
۲۴. همان، ص ۱۶۵.
۲۵. همان، ج ۵، ص ۷۰.
۲۶. همان، ص ۸۷.
۲۷. همان، ص ۸۸.
۲۸. شیخ صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۷.
۲۹. کلینی، *پیشین*، ج ۵، ص ۹۱.
۳۰. همان.
۳۱. همان، ج ۵، ص ۹۱.
۳۲. همان.
۳۳. همان، ج ۵، ص ۳۰۵.
۳۴. کلینی، *پیشین*، ج ۵، ص ۱۱۳؛ شیخ صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۸.
۳۵. شیخ صدوق، همان، ص ۱۵۹.
۳۶. همان، ج ۵، ص ۱۱۴.
۳۷. آقا حسین بروجردی، *جامع الاحادیث الشیعه*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۱۵۰.
۳۸. سید رضی، *نهج البلاغه*، *مصحح فیض الإسلام*، قم: هجرت، ۱۴۱۴ هـ. ق، ص ۴۵۷.
۳۹. ابن بابویه، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۱.
۴۰. ابو جعفر احمد بن محمد برقی، چاپ دوم، *المحاسن*، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۲۸.

۴۱. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۱۵۰؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۷، ص ۶.
۴۲. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۱۵۵.
۴۳. همان، ج ۵، ص ۷۴.
۴۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۷۵.
۴۵. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۷۵.
۴۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۰۴؛ ابن ابی فراس ورام، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، قم: مکتبه فقیه، بی تا، ج ۱، ص ۲۳.
۴۷. محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب علیهم السلام، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۲، ص ۸۲.
۴۸. شیخ حسن دلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۱۹.
۴۹. کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۷۳؛ شیخ مفید، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۱.
۵۰. کلینی، همان، ص ۷۶.
۵۱. همان، ص ۷۴.
۵۲. همان، ج ۵، ص ۷۶.
۵۳. شیخ صدوق، پیشین، ج ۳، ص ۱۶۲.
۵۴. ر.ک: سید محمد مهدی موسوی نیا، تاریخ اجتماعی شیعه در کافی (پایان نامه)، قم: دانشگاه باقر العلوم، ۱۳۹۲، ص ۴۴۰ - ۴۶۰.
۵۵. ن. ک: کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۲۸۸ - ۲۸۹؛ مرتضی راوندی، پیشین، ۲۴.
۵۶. ن. ک: الفهرست و رجال شیخ طوسی.
۵۷. ن. ک: سید محمد مهدی موسوی نیا، پیشین، ص ۴۶۹؛ سید حسین مدرس طباطبائی، میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخست هجری، ترجمه علی قرایی و رسول جعفریان، قم: چاپ اعتماد، ۱۳۸۳.
۵۸. ن. ک: راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ دوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷۱.

۵۹. شیخ طوسی، *الفهرست*، نجف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۱ هـ. ق، ص ۱۶۹.
۶۰. احمد بن محمد بن خالد برقی، *رجال البرقی (الطبقات)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ. ق، ص ۴۴.
۶۱. کلینی، *پیشین*، ج ۱، ص ۳۰۰.
۶۲. احمد بن علی نجاشی، *رجال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ هـ. ق، ص ۴۴۵.
۶۳. نجاشی، *پیشین*، ص ۲۸.
۶۴. حسن بن یوسف حلّی، *الخلاصه*، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ هـ. ق، ص ۲۴۴.
۶۵. شیخ طوسی، *پیشین*، ص ۴۳۳.
۶۶. نجاشی، *پیشین*، ص ۱۸۱.
۶۷. همان، ص ۹۹.
۶۸. همان، ص ۷۸.
۶۹. محمد بن عمر کشی، *رجال*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸، ص ۵۳۰.
۷۰. شیخ طوسی، *پیشین*، ص ۱۳۸.
۷۱. نجاشی، *پیشین*، ص ۴۴۸.
۷۲. کلینی، *الکافی*، قم: دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ هـ. ق، ج ۲، ص ۹۵.
۷۳. نجاشی، *پیشین*، ص ۱۲۰.
۷۴. همان، ص ۴۴۴.
۷۵. همان، ص ۲۷۰.
۷۶. همان، ص ۲۱۷.
۷۷. شیخ مفید، *پیشین*، ج ۲، ص ۳۲۷.
۷۸. ابن اثیر جزری، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، محقق طنّاحی محمود محمد، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۱۰.
۷۹. شیخ طوسی، *پیشین*، ص ۳۹۴.
۸۰. سید ابوالقاسم خویی، *معجم رجال الحديث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج ۱۹، ص ۲۰۰.

۸۱. نجاشی، پیشین، ص ۱۷۵.
۸۲. همان، ص ۸۲.
۸۳. همان، ص ۴۵۱.
۸۴. شیخ طوسی، پیشین، ص ۲۶۹.
۸۵. کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۵۰۶.
۸۶. همان، ج ۵، ص ۲۲۳.
۸۷. سیدابوالقاسم خویی، پیشین، ج ۸، ص ۵۲.
۸۸. سیدحسین مدرسی طباطبائی، پیشین، ص ۴۲۷.
۸۹. احمد بن محمد مقرئ فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۶.
۹۰. شیخ طوسی، پیشین، ص ۱۹۶.
۹۱. کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۵۷۸.
۹۲. سید رضی، پیشین، ص ۵۰۴.
۹۳. سیدابوالقاسم خویی، پیشین، ج ۲۲، ص ۶۰.
۹۴. ن. ک: کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۱۱۳ - ۱۲۷.
۹۵. ن. ک: بروجردی، پیشین، ج ۲۲، ص ۳۱۲.
۹۶. جعفر سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۸ هـ ق، ج ۲، ص ۵۱۵.
۹۷. مدرسی طباطبائی، پیشین، ص ۴۰۹.
۹۸. همان، ص ۳۷۳.
۹۹. همان، ص ۳۷۶.
۱۰۰. همان، ص ۴۴۰.
۱۰۱. سیدابوالقاسم خویی، پیشین، ج ۹، ص ۹۳.
۱۰۲. نجاشی، پیشین، ص ۲۰۱؛ مدرسی طباطبائی، پیشین، ص ۴۳۰.
۱۰۳. سید حسین مدرسی طباطبائی، پیشین، ص ۴۳۶.
۱۰۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ هـ ق، ج ۲، ص ۲۷۷.